

بازتاب تعهدگرایی در اشعار مهدی اخوان ثالث

ستاره نژادپرور

^۱. دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران. ایمیل:

s.nezhadparvar@qaemiau.ac.ir

حسین پارسایی

^۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی قائمشهر، ایران (نویسنده مسول)، ایمیل:

h.parsaei@Qaemiau.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: دیر زمانی است که تعهد در ادبیات فارسی از مهمترین مضمون‌های شعری به شمار می‌آید این مقوله در ادبیات شامل بخش‌های گوناگونی است. مانند، اخلاق، مسایل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، ملیت و مسایل انسانی. اما همواره محور اصلی آن حول مسایل ملی، اخلاقی و اجتماعی قرار دارد. در حافظه‌ی تاریخ هم نام شاعرانی حک شده‌است که همواره نسبت به این مسائل احساس مسئولیت کرده‌اند و در لابه‌لای اشعار خویش به مشکلات و درد اجتماع پرداخته‌اند. اخوان ثالث یکی از قله‌های رفیع ادبیات معاصر است که قصد داریم در این مقاله عنصر تعهدگرایی را از سه جنبه‌ی ۱- تعهد اجتماعی- سیاسی ۲- تعهد ملی- میهنی ۳- تعهد دینی در اشعارش بررسی کنیم و به این پرسش پاسخ دهیم که او تا چه اندازه به این مسأله در اشعارش پایبند است؟

روش مطالعه: این نوشتار با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی و رویکرد توصیفی- تحلیلی، با تکیه بر ابعاد نظری به واکاوی این مسأله می‌پردازد.

یافته‌ها: اخوان شاعر متعهدی است که با توجه به تمامی مشکلات جامعه که در اشعارش منعکس می‌سازد، همواره انسان‌ها را به ظلم‌ستیزی و حق‌طلبی دعوت می‌کند. صداقت در تجربه شعری و اهمیت دادن به انسان‌ها و مهارت بی‌نظیر و متعهدانه‌اش، در بیان مصایب و معضلات مردم جامعه، او را از هم‌عصرانش متمایز می‌سازد.

نتیجه‌گیری: نتایج حاکی از آن است که اخوان از شاعران بسیار متعهد می‌باشد و تعهدگرایی در اشعارش جایگاه ویژه‌ای دارد.

کلیدواژه: مهدی اخوان ثالث، شعر، تعهد اجتماعی- سیاسی، ملی- میهنی، دینی

مقدمه

آدمی بهترین لحظه‌های هستی‌اش را مرهون هنر می‌باشد. شعر و شاعری از دیرباز مورد توجه بشر بوده و هست. هستی هر لحظه نمودی تازه می‌یابد و شعر جاودان‌کننده‌ی این نمودهاست که مانند اکثر پدیده‌های هنری دستخوش دگرگونی هم می‌شود. البته یکی از عوامل اصلی دگرگونی و تغییر در سبک‌های ادبی و شعر، تحولات اجتماعی - سیاسی و پیامدهای ناشی از آن می‌باشد. شعر نو نیز در ادبیات معاصر از این جنبه قابل توجه است. پس از تحولی که نیما در ادبیات معاصر ایجاد کرد و شعر نو به عرصه‌ی ظهور گذاشته‌شد، اخوان، هم با اشعار خود و هم با مقالاتش، در تثبیت شعر نیمایی سهم بسزایی داشت و از آنجا که اخوان از چهره‌های برجسته‌ی ادبیات معاصر و مانند نیما جزو شعرای متعهد است، موضوع تعهدگرایی در اشعارش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

بیان مسأله

تعهد در لغت به معنی گرفتن، نگاه داشتن، عهد و پیمان بستن و... می‌باشد. شاعر متعهد کسی است که نسبت به انسان، جامعه و دنیای اطرافش، بی‌تفاوت نباشد و درد جامعه را بیان کند. نان به نرخ روز نمی‌خورد و مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم را واقع‌بینانه مطرح می‌سازد. انسان‌ها را به ظلم ستیزی و حق‌طلبی دعوت می‌کند. تعهدگرایی در شعر نو به یکباره به وجود نیامد. بلکه جریانش تدریجی بوده و شاید بتوان گفت سرچشمه‌اش در شعر ققنوس نیما باشد. به عبارتی تمام شاعران نوپرداز متأثر از نیما می‌باشند. در مقوله تعهدگرایی هم، شاعرانی چون احمد شاملو و اخوان ثالث از نیما تأثیر پذیرفتند. اخوان از نوجوانی شعر می‌سرود. ابتدا به شعرهای کلاسیک و سنتی گرایش داشت و بعد از آشنایی با نیما به مرور به شعر نو گرایش پیدا کرد و جایگاه ویژه‌ای در شعر معاصر یافت.

اخوان علاوه بر شعر، به داستان‌نویسی هم علاقه داشت و در این زمینه فعالیت می‌کرد. مجموعه مقالات و کتاب‌هایی چون «بدعت‌ها و بدایع نیما یوشیج» و «عطا و لقای نیما یوشیج» از او به چاپ رسیده‌است که در شناساندن شعر نو، نیما و تداوم راهش اثر بسزایی داشت. اخوان ثالث شاعری ادیب می‌باشد که به ادبیات کهن مسلط بود و مقوله تعهدگرایی هم در اشعار کلاسیک و هم نو او بسامد بالایی دارد.

در این مقاله، سعی بر آن است که مقوله تعهدگرایی در اشعار اخوان از زوایای مختلف مورد نقد و بررسی قرار گیرد و به این پرسش اصلی که تعهدگرایی در اشعار اخوان چگونه بازتاب یافته‌است، پاسخ داده شود. لذا برای تبیین بهتر مطلب عنصر تعهد به شاخصه‌هایی چون، تعهد سیاسی - اجتماعی و تعهد ملی - میهنی و تعهد دینی تقسیم شد تا ضمن آوردن شاهد مثال‌هایی از مجموعه اشعار اخوان و بهره‌گیری از نظرات منتقدان و نویسندگان دیگر موضوع مورد نظر تشریح گردد.

ضرورت و پیشینه تحقیق

ضرورت این مقاله این است که بررسی تعهدگرایی در اشعار خوان، علاوه بر شناخت او و آثارش در درک بهتر دیگر آثار ادبی در این راستا، برای مطالعات میان‌رشته‌ای و در کل شعر معاصر مفید فایده است. از آنجایی که اخوان ثالث یکی از سرآمدان ادبیات معاصر است به ویژه در شعر نو، نظر بسیاری از نویسندگان، منتقدان و پژوهشگران را به خود جلب نموده است. کتاب‌ها و مقالات بسیاری به صورت نقد و تجزیه و تحلیل در مورد او نوشته شده است. که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: «آواز چگور» نوشته محمدرضا محمدی آملی، «حالات و مقامات م. امید» نوشته دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، «یادنامه‌ی اخوان (باغ بی‌برگی)» که شامل مجموعه مقالاتی در مورد اخوان و اشعارش است به اهتمام دکتر مرتضی کافی. «شعر زمان ما» نوشته‌ی محمد حقوقی و... در ضمن رضا براهنی در کتاب «طلا در مس» و شمس لنگرودی در کتاب «تاریخ تحلیلی شعر نو» و دکتر محمدرضا شفیعی در کتاب «با چراغ و آینه» به نوعی درباره اخوان و اشعارش نوشته‌اند. اما مقالات بسیاری هم درباره‌ی او به نگارش درآمده، مانند دغدغه‌های اجتماعی شعر عبدالوهاب البیاتی و مهدی اخوان ثالث، نوشته‌ی فرهاد رجبی که در مجله زبان و ادبیات عرب به چاپ رسیده که نگارنده با مقایسه‌ی این دو شاعر به مشترکات فکری آن‌ها پرداخته است.

بررسی سبک شناختی اشعار مهدی اخوان ثالث نوشته‌ی مهین زنده دل که در مجله قند پاریس به چاپ رسیده است که نویسنده اشعار اخوان را در سطوح زبانی، فکری و ادبی مورد بررسی قرار داده است. و بسیاری از مقالات دیگر که پژوهشگران هر کدام یک جنبه از اشعار اخوان را مورد بررسی قرار داده‌اند. اما با بررسی‌های انجام‌شده در پایگاه‌های اطلاعاتی مشخص شد که هیچ تحقیق مبسوط، ویژه و خاص درباره‌ی تعهدگرایی در اشعار اخوان تاکنون انجام نشده است و این موضوع نوآوری پژوهش نگارنده را روشن می‌سازد.

روش تحقیق

این پژوهش در گروه تحقیقات بنیادی- نظری است. از جهت ماهیت نگارش و پرداخت به مسأله با توجه به هدف و زوایای مختلف آن، جزو تحقیقات توصیفی- تحلیلی می‌باشد. اطلاعات اولیه این پژوهش، از طریق مراجعه به سایت‌ها، کتاب‌ها و مجموعه مقالات پژوهشی به دست آمد. نگارنده بعد از مطالعه‌ی کتاب‌های شعر اخوان و دیگر آثار او و سایر منابع مرتبط با موضوع، به تشریح و بررسی تعهدگرایی در اشعار اخوان پرداخته است.

بحث و بررسی

تعهد از نظر لغوی به معنای، «گردن گرفتن کاری را، به عهده گرفتن، تیمارداشتن، نگاهداشتن، عهدبستن، پیمان بستن، تیمارداشت و غمخواری» (فرهنگ فارسی معین. معین: ۱۳۵۳)

منظور از تعهد، در اینجا تعهد در شعر می‌باشد و شاعر متعهد کسی است که در قبال جامعه، مردم و دردها و مشکلات آن‌ها بی تفاوت نباشد. بلکه انعکاس دهنده‌ی مسائل و مشکلات اجتماع خود در اشعارش باشد. حتی اگر نتواند برای این معضلات راهکاری ارائه دهد، می‌تواند جامعه را به سوی آگاهی و تأمل در برابر نابسامانی‌های حاکم سوق دهد تا همگان در برابر فساد حاکم متحد شده و با آگاهی به دنبال راه چاره باشند. و این، کار شاعر را دشوار می‌سازد و تمام هنرمندی او را می‌طلبد.

اخوان، شاعر هنرمندی است که اشعارش بازتابی از حقایق زندگی بشری و واقعیت‌های اجتماعی است قبل از ورود به بحث اصلی این مقاله به نظرات چند تن از بزرگان ادب معاصر درباره‌ی تعهدگرایی اخوان اشاراتی می‌شود.

فروغ فرخزاد می‌گوید: «من گاه‌گاه شعر او را مانند بغض در گلویم احساس می‌کنم. شعر او تأسف پرشکوهی است و بوی زوال امیدهای سرشار از باور و یقین را می‌دهد. شعر او آیینی‌ی راستگویی محرومیت‌ها، تلاش‌ها و آرزوهای مفصلی است که در اوج شور و اعتمادش ناگهان خود را فریب خورده و تنها یافت... (باغ بی‌برگی. یادنامه مهدی اخوان ثالث. کاخی ۱۳۷۰) شاملو معتقد است اخوان «انسانی که دانسته زیسته‌است و لحظه به لحظه عمرش معنی داشته. آبروی جامعه، پشتوانه‌ی سربلندی و بخشی از تاریخ یک ملت است حتی هنگامی که محیط او به درستی درکش نکند. (همان)

محمدرضا تنها در مورد اخوان می‌گوید: «هیچ گاه سر تسلیم در مقابل زور و زر فرود نیاورد.» (زبان حماسه در شعر اخوان، تنها: ۱۳۷۰)

دکتر عزت الله فولادوند معتقد است: «ایماژ در اشعار اخوان صرفاً به خاطر هنر و تصویر برای تصویر و خوشایند بی‌دردان ناز پرورد تَنَّم به کار نرفته‌است. تصویر خشک و خالی و پوک و بی‌پیام نیست، تصاویر او مالمال از تعهد و رسالت و مسئولیت زندگی است. (از چهره‌های شعر معاصر. فولادوند: ۱۳۷۸)

در سایه‌ی همین تعهد و رسالت است که شعر اخوان در مقابل فرم، ساختار، زبان، محتوا، زمان، خودش، بشریت و کل هستی متعهد می‌شود که البته این تعهد گاهی در زمان و مکان خاصی نمی‌گنجد و فراتر از آن است. مانند برخی از اشعار اخوان: «کتیبه» به نوعی هم «چاووشی و...»

به گزاف نگفته‌ایم اگر کتیبه را داستان تکرار و سردرگمی و چه‌کنم؟ چه‌کنم؟ بشر در طول تاریخ بدانیم. در این مقاله به تعهدگرایی در اشعار اخوان از جنبه‌های ۱- اجتماعی- سیاسی، ۲- ملی- میهنی، ۳- دینی می‌پردازیم.

تعهد اجتماعی - سیاسی

اخوان در راستای تعهد اجتماعی - سیاسی، بیشتر شرایط موجود را با سیاهی‌ها، ظلم، بی‌عدالتی و خفقان حاکم به تصویر می‌کشد. در واقع شعر او به معنای واقعی بازتاب وقایع اجتماعی - سیاسی دوره‌ی اوست. خود اخوان می‌گوید: «بعضی از شعرهای من شعر به همان مفهوم ارائه یک کلام دلپسند شاعرانه است، اما تعداد این گونه اشعار من بسیار کم است، و بیشتر سروده‌های من به بیان دردهای جامعه مربوط می‌شود، شکوه و شکایت دارد، خلاصه نق نق می‌کند، فریاد می‌زند، ناله می‌کند.» (صدای حیرت بیدار. اخوان: ۱۳۸۲)

در بخش تعهدات اجتماعی - سیاسی از قبیل: اوضاع نابسامان جامعه از جنبه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و یا ظلم، بی‌عدالتی و استبداد حاکمان و عاملان آن‌ها، اعمال زور و فشار به مردم، تحت‌تأثیر استعمار بیگانگان قرار گرفتن، استثمارشدن و استثمارکردن، ارباب و فریب مردم، غرب‌زدگی، مشکلات مردم و... را در اشعار او مورد بررسی قرار می‌دهیم.

شعر «هشدار»

بی انقلاب مشکل ما حل نمی‌شود	وین وحی بی مجاهده منزل نمی‌شود
خود تن مده به ظلم، که بی انقیاد و میل	زالو به خون هیچ کس انگل نمی‌شود
هشدار! مشکلات تو در مجمع ملل	ای دوست، طرح اگر بشود، حل نمی‌شود

(ارغنون. اخوان: ۱۳۸۷)

در این شعر، اخوان با توجه به این که وضعیت موجود را پذیرا نیست در مقابل ظلم و بیدادگری، بی حرکتی و سکوت اعتراض میکند. یا حل مشکل توسط دیگر کشورها و استعمارگران را جایز نمی‌داند و به نوعی خواهان تحول و دگرگونی و انقلاب است.

شعر «تسلا و سلام»

دیدنی دلا که یار نیامد	گردد آمد و سوار نیامد
آن کاخ‌ها ز پایه فرو ریخت	و آن کرده‌ها به کار نیامد
و آن رنج بی حساب تو در داک	چون هیچ در شمار نیامد
وز سفله یاران تو در جنگ	کاری به جز فرار نیامد

(همان)

اخوان قصیده «تسلی و سلام» را در فروردین ۱۳۳۵ برای پیرمحمد احمدآبادی، دکتر مصدق، سروده‌است. که به پیامدهای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و رنج‌هایی که دکتر مصدق متحمل شد، اشاره دارد. خود اخوان می‌گوید: «وقتی من دیدم چه بلایی بر سر مصدق آمد، شعر نوحه یا قصیده «تسلی و سلام» را گفتم و به پیرمحمد احمدآبادی تقدیم کردم که خود مصدق بوده. شعر را به یک ناله و دردی توأم کردم پس جنبه‌های سیاسی هم اگر داشت نه به صراحتی بود که مثلاً اشعار سید اشرف‌الدین گیلانی «نسیم شمال» دارد. (صدای حیرت بیدار. اخوان: ۱۳۸۷)

شعر «زمستان»

سلامت را نمی‌خواهند پاسخ گفت / سرما در گریبان است / کسی سر بر نیارد
کرد پاسخ گفتن و دیدار یاران را / ننگه جز پیش پا را دید نتواند / که ره تاریک و لغزان است و گر دست محبت به سوی
کس بازی / به اکراه آورد دست از بغل بیرون؛ که سرما سخت سوزان است. ... (زمستان: ۱۳۸۳)

زمستان یکی از زیباترین اشعار اخوان است. شعری سمبلیک، دارای ابعاد سمبلیک اجتماعی-سیاسی است. او در این شعر که در زمستان ۱۳۳۴ سروده شده است خود را به دلیل ناهماهنگی و عدم همراهی با نظام ظالم حاکم نغمه ناجور می‌خواند و خفقان و نابسامانی اوضاع سیاسی-اجتماعی جامعه و ناامیدی مردم را به تصویر می‌کشد. در ضمن به پیامدهای کودتای ۲۸ مرداد هم نظر دارد. اسماعیل خوبی درباره زمستان می‌گوید: «یکی از ویژگی‌های شعر بزرگ و یکی از جنبه‌های ذاتی شعر بزرگ این است که از راه رئالیسم به سمبولیسم دست می‌یابد. ... زمستان نمونه درخشانی است از به کار بستن روش رئالیستی برای رسیدن به ابعاد عظیم سمبولیک، ابعاد عظیم نمادگرایانه». (صدای حیرت بیدار. اخوان: ۱۳۸۷)

شعر «چاووشی»

نوشته بر سر هر یک به سنگ اندر / حدیثی که ش نمی‌خوانی بر آن دیگر / نخستین راه خوش و راحت و شادی / به ننگ
آغشته، اما رو به شهر و باغ و آبادی / دو دیگر راه نیمش ننگ، نیمش نام / اگر سر بر کنی غوغا، و گردم در کشی آرام / سه
دیگر راه بی برگشت، بی فرجام / (همان)

در این شعر، نوعی یأس و ناامیدی فردی وجود دارد که تعمیم‌یافته و مبدل به یأس اجتماعی شده‌است. اگر به امید هوای تازه آزاد بیرون روی، حدیث بنگ و افیون است و یاد آوردن تکه‌ای از شعر «مک نیس» که بیانگر نابسامانی اوضاع و افسردگی و ناامیدی می‌باشد: «چرا برخویشتن هموار باید کرد رنج آبیاری کردن باغی/ کز آن گل کاغذین روید؟» خود اخوان می‌گوید: «چاووشی آرزوی فرار و در آمدن از این زندان بزرگ و رفتن به سرزمین های آزاد و آفتاب گیر و روشن را ترسیم میکنند». (همان)

اخوان در این شعر تصویری از سردرگمی و افسردگی هم نسلان و یاران فریب خورده خود را به نمایش می‌گذارد.

شعر «آخر شاهنامه»

هان کجاست/ پایتخت این دژ آیین قرن پر آشوب/ قرن شکلک چهر/ بر گذشته از مدار ماه/ لیک بس دور از قرار مهر/ قرن خون آشام/ قرن وحشتناک تر پیغام/ کاندران با فضله موهوم مرغ دور پردازی/ چار رکن هفت اقلیم خدا را در زمانی بر می آشوبند... (آخر شاهنامه، اخوان: ۱۳۷۸)

اخوان در این شعر سردرگمی و گمراهی بشریت و آشفتگی و نابسامانی جهان امروز را به تصویر می‌کشد. عبدالعلی دستغیب می‌گوید: «سخن امید در این گونه اشعار این است که پیشرفت صنعت و فن بدون پیشرفت اخلاقی، جهنم وعده داده شده‌ای است برای انسان آماده می‌کند. چه فایده دارد انسان به ماه و برتر از ماه سفر کند اما در درون خود همان گونه درنده خو و ددمنش بماند؟ (باغ بی برگی، یادنامه مهدی اخوان ثالث. کاخی: ۱۳۷۰)

او خشونت‌ها، زشتی‌ها و دردهای انسانی را به نمایش می‌گذارد و می‌خواهد به ما بگوید این نابهنجاری‌های اجتماعی، واقعیت‌های تلخ و ناگواری هستند که باید به کمک شعر و هنر به تصویر کشیده شوند، تا مردم به وضع موجود وقوف یابند و به دنبال راه چاره باشند.

شعر «کتیبه»

فتاده تخته سنگ آن سوی تر، انگار کوهی بود/ و ما این سو نشست، خسته انبوهی/ زن و مرد و جوان و پسر .../ یکی از ما که زنجیرش سبک تر بود به جهد ما درودی گفت و بالا رفت .../ پس از سختی.../ فرود آمد/ گرفتیمش ... نشاندمش .../ چه خواندی، هان؟!/ (مکید آب دهانش را و گفت آرام: نوشته بود/ هان/ کسی راز مرا داند که از این رو به آن رویم بگرداند.../از این اوستا. اخوان: ۱۳۷۸)

اخوان از اوضاع نابهنجار جامعه‌ی انسانی می‌گویند، که با خوف، خستگی، عزا، دشنام، و گاهی گریه همراه است. با زنجیر اسارت برای آزادی رهایی و پیروزی تلاش می‌کنند و در نهایت ره به جایی نمی‌برند و اوضاع هم‌چنان تاریک و ظلمانی، یأس‌آلود و انگار تکرار و تجدید بیدادگری‌هاست. این شعر، به نوعی یادآور داستان «سیزین» می‌باشد.

محمدی آملی در کتاب آواز چگور می‌گوید: این زنجیر نماد جبر تاریخی می‌باشد و حیات انسانی بر مدار یک دایره است که همواره به دور خود می‌گردد و تخته سنگ نماد زندگی و طبیعت است که آن انسان‌ها می‌خواهند با برگرداندن کتیبه این معمای هستی را کشف کنند.

علاوه بر کتاب ارغنون، زمستان، آخر شاهنامه و از این اوستا که حاوی اشعاری با مضمون تعهد اجتماعی-سیاسی بودند و نمونه‌هایی برای شاهد مثال آورده شد باقی کتابها: در حیات کوچک پاییز در زندان، زندگی می‌گوید: اما باز باید زیست، دوزخ اما سرد و ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم، هم حاوی استعمار زیاد و شاهد مثال‌های بسیار زیادی از این نوع است که بیان تمام آن‌ها از حوصله‌ای این مقال خارج است.

تعهد ملی - میهنی

در این قسمت اشعاری را که در راستای وطن‌دوستی، میهن‌پرستی و ملی‌گرایی است مورد بررسی قرار می‌دهیم. با توجه به گرایش ملی، میهنی عمیقی که در اخوان بود گویا خود را متعهد می‌دید که به اساطیر ملی و فرهنگ ایرانی توجه ویژه داشته‌باشد. شعر او پیش از اکثر شعرای دیگر رنگ ایرانی و شرقی دارد و «در عین وحدتی که با احساس قرن دارد به گذشته نیز می‌پیوندد...» در آن، همه خصوصیات ایرانی از ضرب‌المثل‌ها، تعبیرهای خاص زبان و اساطیر باستانی، عقاید مذهبی ایرانی کهن گرفته تا طرح داستان از کبوتران که خود براساس قصه‌های عوام است. همه و همه، نماینده‌ی اصالت شعر امید است. (با چراغ و آینه. شفیعی کدکنی: ۱۳۹۰)

مهدی اخوان ثالث، در ملی‌گرایی و وطن‌دوستی آن‌چنان متعصب کورکورانه نیست که منکر فرهنگ دیگری و ارتباط با آن باشد، بلکه معتقد است باید با پویایی از نکات خوب و محاسن فرهنگی کشورها و ملل مختلف بهره‌برداری نماید. اما اصالت فرهنگی و ملی خودمان را مخدوش نسازیم. اخوان شاعری ادیب، فاضل، اهل تحقیق، وطن‌دوست و به‌معنای واقعی کلمه شاعری متعهد است. در این قسمت تعدادی از اشعار اخوان در خصوص تعهد ملی- میهنی را از برخی کتاب‌های شعر او اشاره می‌کنیم.

شعر «نادر یا اسکندر»

موج‌ها خوابیده اند آرام و رام/ طبل طوفان از نوا افتاده است/ چشمه های شعله ور خشکیده اند/ آبها از آسیا افتاده است.../ بازی گویند فردای دگر صبر کن تا دیگری پیدا شود/ نادری پیدا نخواهد شد، امید/ کاشکی اسکندری پیدا شود/ (آخر شاهنامه، اخوان: ۱۳۷۸)

این شعر در سال ۱۳۳۵ سروده شده است گویا تصویری از هم‌زمان اخوان پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ می‌باشد که تن‌به‌خفت دادند. در آن شرایط اوضاع جامعه آن‌قدر نابسامان است که سکوت و خفقان همه‌جا را فراگرفته. دیگر نه اعتراضی شنیده می‌شود نه فریادی به گوش می‌رسد. در مورد بند آخر شعر، که برخی از آن انتقاد کرده‌اند، سیمین بهبهانی می‌گوید: «یادم می‌آید بعضی ایراد می‌گرفتند که اخوان چرا گفته است.

«نادری پیدا نخواهد شد، امید، کاشکی اسکندری پیدا شود» به این دو بیت توجه کنید: مشت‌های آسمان کوب قوی/ وا شده ست و گونه گون رسوا شده است/ یا نهان سیلی زنان، یا آشکار/ کاسه ی پست گدایی ها شد دست

بعد از مشاهده چنین زبونی، چنین پوکی، چنین هرزگی، مادر برای فرزندش چه دارد جز نفرین؟ به نادر که بد بود یا خوب کاری ندارم؛ این همان نفرین است، نفرین مادری که همه سعادت‌ها را برای فرزندش می‌خواهد، اما با خشم و خروش نفرین می‌کند و در همان حال دست و دلش می‌لرزد که مبادا خاری...» (باغ بی برگی، یادنامه مهدی اخوان ثالث. کاخی: ۱۳۷۰)

اخوان، با ناامید شدن از خودی‌ها و سران حزب توده، بیش و پیش از این که به اسکندر نظر داشته‌باشد، بی‌اعتمادی خود را از رهبران جنبش اعلام می‌کند. اخوان در این شعر، دغدغه و نگرانی خود را از وطنی که در حال نابودی است با حسرت و خشم اعلام می‌کند.

شعر «ای وطن»

ای وطن آباد مانی، سربلند، آزاد مانی گرچه بر من نداری، کلبه ای، کاشانه‌ای هم
گرچه بس بیگانه امروزت نماید خویش و خواهان بیش من خویش ندارد دوستت، بیگانه‌ای هم
عمر و جان کردن نثارت، عاشقم دیوانه وارست عاشقی دیوانه چون من نیست، فرزانه‌ای هم

(تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم. اخوان: ۱۳۸۷)

وطن‌دوستی و میهن‌پرستی اخوان در این ابیات آشکار است. دکتر منصور رستگار فسایی با اشاره به شعر ای وطن می‌گوید: امید در شعر خود به زبانی دست یافته بود که نرم و استادانه، مشکل‌ترین مفاهیم اجتماعی و سیاسی و عاشقانه را چه به

جد و چه به طنز، در قالب‌های نو و کهن می‌گنجانید، اما خمیر مایه‌های تمام اندیشه‌های او، عشق به ایران و انسانیت آزاد و سرافراز بود.

او شاعری بود که شعرش را در خدمت روحیات و مصلحت‌ها و ذوقیات مردم سرزمین خود قرارداد. (باغ بی برگی، یادنامه مهدی اخوان ثالث کاخی: ۱۳۷۰)

شعر «سفر تان خوش»

سلام! ای گله‌ی مرغ‌های مهاجر	روان بال در بال، چون ابر عابر
چو دلتان بگیرد از این منظر	آسمان گشایید پر سوی دیگر مناظر
ولی خون من ریشه در خاک دارد	به هم‌رست از این سرزمین نیست قادر

(تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم. اخوان: ۱۳۷۸)

او در این شعر که در فروردین ۱۳۶۰ سروده است اشاره می‌کند به این که در بدترین شرایط هم نمی‌تواند ترک وطن کند چرا که خورش ریشه در خاک وطن دارد.

مسئله تعهد ملی - میهنی در اکثر کتاب‌های اخوان نظیر زمستان آخر شاهنامه از این اوستا در حیات کوچک پایین در زندان و کتاب ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم با طیف بالایی دیده می‌شود که ذکر تمام شاهد مثال‌ها صفحات بی‌شماری می‌طلبد. پس به همین اندک مصداق اکتفا نموده و به تعهد دینی می‌پردازیم.

تعهد دینی

لازم به ذکر است که اخوان آن‌چنان مذهبی شریعت‌مداری نبود که تعهد دینی داشته‌باشد، یا آن را تبلیغ نماید. در این قسمت بسامد کاربرد آیات و احادیث مسائل دینی و عرفانی در اشعار اخوان مورد بررسی قرار می‌گیرد. اخوان در خانواده‌ای نسبتاً مذهبی به دنیا آمد. خودش می‌گوید: «پدر من عطار طبیب بود و مادرم هم کارش خانه‌داری بود و بعد هم دعاگویی و نماز و طاعت و زیارت اما رضا^(۴) و از این قبیل..» (درباره هنر و ادبیات. حریری: ۱۳۸۴)

اخوان شاعر اجتماعی - سیاسی و ملی - میهنی بود. اما در مورد مسائل مذهبی نه بی‌تفاوت بود و نه کم‌اطلاع. چرا که در اواخر دهه بیست هم معلم ادبیات بود و هم فقه و آهنگری. او حتی زمانی که ایران درگیر جنگ تحمیلی بود، نسبت به مسائل جنگ و دفاع مقدس و شهیدان توجه خاص نشان می‌داد و اشعاری هم در این زمینه سرود.

حال به انعکاس مسائل دینی، آیات و گرایش‌های عرفانی در برخی اشعار اخوان می‌پردازیم.

شعر «شب»

گذر کرد تیر شبهای سبک
«کمر السحاب تری حالها»
تو گفتی ز طوفان قیامت شده ست
«و زلزلت الارض زلزالتها»
در آن پرده گفتم که گوید علی
«از اقربت ساعت یالها»

(ارغنون، اخوان: ۱۳۸۷)

اشاره به آیه یک سوره مبارکه الزلزله: اذا زلزلت الارض زلزالها، آنگاه که زمین به زلزله‌اش لرزانده شود و هم‌چنین آیه یک سوره قمر... اذا اقربت الساعة.

آگاهی اخوان و گرایش به عرفان و اندیشه‌های عرفانی او را می‌توان از موخره‌ی کتاب از این اوستا مشاهده کرد. اشعاری در مورد ابوالحسن خرقانی، مقاله‌های «ای نامحدود، ای انسان...! در ستایش تو» و «بودا صفتان» از کتاب حریم سایه‌های سبز، مقالات ا، م، امید» نیز در این خصوص درخور توجه است. با توجه به بعضی از اشعار و احوال و زندگی‌اش و مقالات که برخی از دوستان نزدیک او به ویژه دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی و دکتر مرتضی کاخی در «یادنامه اخوان- باغ بی برگی» نوشته‌اند، اخوان چنان چون عارفی رند بود، نه آن چنان پایبند به ظاهر شریعت. شعر «پیش از اینجا نیز دیده بودم من به زندان‌های دیگر هم...»

ارجمندان پاکدامنهای دیگر هم/ آن شرفشاهان که بی تردید/ قهرمان نسل خود بودند و فخر سرزمین خود/ پاک مردانی که در آیین و دین خود/ در نماز عشق با خونشان وضو کردند.../ این گرانقدران با ایمان شوکتمند/ ای جوانان ... درد دین و غیرت ایمان/ ارجمند است و گرمی.../ لیک درد ملک و ملت نیز/ سخت والا گرانقدر است و یزدانی. (سه کتاب. اخوان: ۱۳۸۶)

گویا اشاره‌ای به جمله‌ای از حسین منصور حلاج دارد که در کتاب «قوس زندگی منصور حلاج» نوشته‌ی لویی ماسینیون آمده است زمانی که او را به دار می‌آویختند و مثله می‌کردند روی و ساعد را به خون سرخ کرد و گفت: وضو می‌سازم. گفتند: در چه وضو؟ گفت: در عشق دو رکعت است که وضوی آن درست نیاید الا به خون. (توس زندگی منصور حلاج. ماسینیون: بی تا)

اخوان درد دین و غیرت و ایمان را پاک و روحانی و ارجمند می‌داند، اما در کنار آن، درد ملت و مملکتی که چنان کشتی طوفان زده گرفتار مصیبت و محصور دشمن می‌باشد را نیز والا گرانقدر و یزدانی تلقی می‌نماید.

شعر «شهیدان زنده اند»

شهیدان زنده اند آری، ولی حیف

که تن هاشان به زیر خاک و خشت است

(تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم. اخوان: ۱۳۸۷)

اشاره به آیه ۱۶۹ سوره مبارکه آل عمران:

و لا تحسین الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون، و کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده می‌پندار بلکه آن‌ها شهیدان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند.

هم به تسبیح تو گویند، که مودود تویی	سبزه و آب و درخت و حیوان هم به و داد
آنکه ز اشراق و ز عرفان به تو بنمود تویی	منطق و فلسفه گنگی و سفه باشد و راه
دیده دل بس که نهان شاهد و مشهود تویی	ما خدایی که نبینیم پرستش نکنیم

(همان)

این شعر اشاره دارد به کل هستی و کائنات که به حمد و تسبیح خداوند مشغولند و این که راه عشق و اشراق و عرفان را بر راه عقل و فلسفه ترجیح می‌دهند و خدا را با چشم دل می‌بیند و به او ایمان دارد.

ابیات بسیاری را می‌توان یافت که گواه گرایش عرفانی اخوان هستند که در هر یک از آن‌ها، به نکات عرفانی هم اشاراتی دارد. شعرهای «بر آن آشکارای پنهان»، «برترین نام خدا»، «در ستایش بلحسن خرقانی»، که در یادنامه‌ی اخوان «باغ بی‌برگی» آمده است نمونه‌هایی از اشعاری هستند که در آن اخوان صیغه‌ی عرفانی اندیشه کمی خود را بروز داده‌است او حتی در چند جای اشعارش از امامان معصوم هم نام برده و به توصیف ایشان پرداخته‌است.

در شعر «شاه شاهان تو ...» از کتاب «ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم» به امام علی^(ع) اشاره می‌کند که:

دست گیرد ترا به یوم تناد	کرم مرتضی علی ^(ع) ، کرما
گفت و بر پا عمود شد چو عماد	پس خمان بر عصا، علی مددی

و یا در شعر «از علی» از همان کتاب

آنکه از ناب شرابش همه هوشیار شوند	از علی مست خدا، گوش کن این نادره را
چون بمیرند، رود غفلت و بیدار شوند	خفتگانند همه مردم و در غفلت عرق

که باز هم به فیض‌رسانی و بزرگی حضرت علی^(ع) اشاره می‌کند.

و این تک بیت در مورد امام رضا^(ع):

در ره طوسم چه باک ار سیل و برف و آتش آید

سالک راه رضا راه، هر چه پیش آید، خوش آید

(همان)

که ارادت خاص خود را به امام رضا^(ع) هم چون سالک راه حق ابراز می‌دارد. در چند جای دیگر هم این ارادت را بیان می‌دارد.

سرتاسر کتاب «ارغنون»، «از این اوستا»، «زندگی می‌گوید: اما باز باید زیست» و هم‌چنین «تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم» را اگر ورق بزنیم با بیت‌های زیادی مواجه می‌شویم که مستقیم و غیرمستقیم به آیات و احادیث، به پیامبران الهی و امامان معصوم و مضمون‌های عرفانی اشاراتی داشته‌است که تمامی آن‌ها در این اندک مقال ننگند.

با توجه به این گفته‌ها، در خصوص تعهد دینی اخوان می‌توان گفت که او در برهه‌ای از زمان، تحت تأثیر حزب توده یا جو روشن‌فکری آن زمان و یا به هر دلیلی (البته با قاطعیت نمی‌توان گفت شاید هم به نوعی) گرایش چپی همراه با الحاد یا تفکر مارکسیستی داشت. اما به مرور، پس از پی بردن به خود محوری و عدم تعهد برخی سران حزب توده و سرخوردگی از آن، در مسیر سیر تحول فکری یا اعتقادی، به نوعی به خدا باوری (حال هم با تکیه بر بودا و مزدشت و هم اسلام و قرآن) و مسائل عرفانی، گرایش پیدا کرد.

مهدی اخوان ثالث که کلاسیک‌ترین شاعر نوپرداز است، آثار شعرا و عرفای قدیم را به دقت خوانده و به واقع ادیب بود. او با ادبیات جهان آشنایی داشت. به ویژه شعر و زبان عربی را نیز به خوبی می‌شناخت. به ادبیات عرفانی آگاه، و در مواردی از آن تأثیر پذیرفته بود.

لنین و مارکس را بگذار و بگذر	ز هر بیگانه حتی ما تسه تون
تو داری مزدک و زردشت (مزدشت)	غنی از ماورا هستی و مادون

(همان)

نتیجه گیری

اخوان کلاسیک‌ترین شاعر نو پرداز است که با درک تحولات اجتماعی عصر خود به خلق اشعاری با مضامین اجتماعی - سیاسی و ملی - میهنی دست می‌زند و در آن‌ها ظلم، بی‌عدالتی، خفقان، درد و مشکلات و استبداد حاکم را فریاد می‌زند. از بررسی تعهدگرایی در اشعار اخوان درمی‌یابیم که چه گفتن و محتوای شعر بسیار اهمیت دارد، چگونه گفتن نیز مهم تلقی می‌گردد. اخوان هم به هر دو جنبه توجه دارد گویی با عینیتی سروکار دارد که مانند پلی به فضای ذهنیت شاعر می‌رسد. مضمون تعهدگرایی مختص دوره‌ای خاص از زندگی شاعر نیست، بلکه در هر دوره‌ای به فراخور احوالات او، در شعرش رخ

می‌نماید. او در زمانی که فعالیت حزبی داشت و در زندان به سر می‌برد و زمانی که آزاد شد و هم زمانی که از حزب و فعالیت‌های حزبی فاصله گرفت، همواره با آگاهی هنر خویش را با تعهد همراه کرد. زندگی اخوان علاوه بر مشکلات و شکست‌های حزبی و معضلات اجتماعی، درگیر مصائب و رنج‌های زندگی شخصی نیز می‌گردد. اما تمام این مشکلات هرگز باعث نشد او از مسیر صداقت و درستی و حق‌طلبی لحظه‌ای منحرف گردد. چرا که با مناعت طبع و آگاهی به بیان واقعیت‌های تلخ و گزنده و آسیب‌های اجتماعی که جامعه را تهدید می‌کرد، می‌پرداخت. همواره آزادی و آزادگی ایران و ایرانی و ظلم‌ستیزی و صلح جهانی را تبلیغ می‌کرد. پس از مطالعه‌ی اشعار اخوان و بررسی تمامی آنها به این نتیجه می‌رسیم که بیشترین توجه اخوان در حوزه‌ی تعهد به مسائل اجتماعی - سیاسی بوده است و بسامد تعهد ملی - میهنی در مرتبه‌ی دوم قرار می‌گیرد. اما از بُعد تعهد دینی، باید اذعان کرد اخوان، مبلغ و شاعر صرفاً مذهبی نبود، ولی همواره در اشعارش به مقتضای حال و مقام، از آیات و احادیث، مسائل دینی و عرفانی و هم‌چنین پیامبران و امامان، در اشعارش بهره‌برده‌است. در پایان پیشنهاد می‌شود برای درک بهتر تعهدگرایی در شعر نو، این مقوله در اشعار دیگر شاعران شاخص معاصر مورد پژوهش قرار گیرد.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم، ترجمه‌ی الهی قمشه‌ای.
- ۲- اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۸۲). *صدای حیرت بیدار*. زیر نظر مرتضی کاخی. چاپ دوم، تهران: مروارید، زمستان.
- ۳- اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۷۸). *آخر شاهنامه*. چاپ چهاردهم. تهران: زمستان.
- ۴- اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۸۶). *سه کتاب*. چاپ دوازدهم. تهران: زمستان.
- ۵- اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۸۷ الف). *ارغنون*. چاپ پانزدهم. تهران: زمستان.
- ۶- اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۸۷ ب). *از این اوستا*. چاپ شانزدهم. تهران: زمستان.
- ۷- اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۸۷ ج). *تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم*. چاپ هفتم. تهران: زمستان و مروارید.
- ۸- اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۸۳). *زمستان*. چاپ بیستم. تهران: مروارید، زمستان.
- ۹- تنها، محمدرضا. (۱۳۷۰). *زبان حماسه در شعر اخوان*. کتاب پاژ ۲. یادواره مهدی اخوان ثالث. زیر نظر محمدجعفر یاحقی و محمدرضا خسروی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۱۰- حریری، ناصر. (۱۳۸۴). *درباره هنر و ادبیات*. گفت‌ووشنودی با مهدی اخوان ثالث و علی موسوی گرمارودی. چاپ دوم. بابل: آویشن.
- ۱۱- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۰). *با چراغ و آینه در جستجوی ریشه های تحول شعر معاصر ایران*. تهران: سخن.
- ۱۲- فولادوند، عزت‌الله. (۱۳۸۷). *از چهره های شعر معاصر*. تهران: سخن.
- ۱۳- کاخی، مرتضی. (۱۳۷۰). *باغ بی برگی*. یادنامه مهدی اخوان ثالث. تهران: ناشران.
- ۱۴- ماسینیون، لویی. (بی‌تا). *توس زندگی منصور حلاج*. ترجمه روان فرهادی. چاپ دوم، (بی‌جا). کتابخانه منوچهری. ص ۷۴
- ۱۵- معین، محمد. (۱۳۵۳). *فرهنگ فارسی معین*. چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.

Sources and references

- 1- Holy Quran. Translation by Elhi Qomshei.
- 2- Third brotherhood, Mahdi. (1382). Awake sound of astonishment. Under the supervision of Morteza Kakhi. Second edition, Tehran: Marwarid, Winter.
- 3- Third brotherhood, Mahdi. (1378). The end of Shahnameh. 14th edition. Tehran: Winter.
- 4- Third brotherhood, Mahdi. (1386). Three books. 12th edition Tehran: Winter.
- 5- Third brotherhood, Mehdi. (1387 A). organ 15th edition Tehran: Winter.
- 6- Third brotherhood, Mehdi. (1387 B). From this Avesta, 16th edition. Tehran: Winter.
- 7- Third brotherhood, Mehdi. (1387 c). I love you, old man. The seventh edition. Tehran: Winter and pearls.
- 8- Third brotherhood, Mehdi. (1383). winter. 20th edition Tehran: Pearl, Winter.
- 9- Tanha, Mohammad Reza. (1370). The epic language in the poetry of the Brotherhood. Book Page 2. Mehdi Akhwan Third Memorial. Under the supervision of Mohammad Jaafar Yahaghi and Mohammad Reza Khosravi. Mashhad: Astan Quds Razavi Publishing House.
- 10- Hariri, Nasser. (1384). About art and literature. A conversation with Mehdi Akhwan Tahalit and Ali Mousavi Garmaroudi. second edition. Babylon: Thyme.
- 11- Shafie Kodkani, Mohammad Reza. (1390). With a lamp and a mirror in search of the roots of the evolution of contemporary Iranian poetry. Tehran: Sokhn.
- 12- Fouladvand, Ezzat A... (1387). From the faces of contemporary poetry. Tehran: Sokhn.
- 13- Kakhi, Morteza. (1370). leafless garden Memoir of Mehdi Akhwan Third. Tehran: Publishers.
- 14- Massignon, Louis. (Beta). Life of Mansour Hallaj. Translated by Rován Farhadi. Second edition, (out of place). Manochehri Library. p. 74
- 15- Moin, Mohammad. (1353). Certain Persian culture. Second edition, Tehran: Amir Kabir.